

طالبان افغانستان تلقی شود.

دوم، ارتباط چین با طالبان افغانستان ممکن است تحت تأثیر رقابت داخلی رهبری طالبان افغانستان باشد. طالبان افغانستان را نباید یک واحد منسجم فرض کرد، بلکه ائتلافی از شاخه‌ها و سازمان‌های مختلف است. همایش و ارتباطات طالبان افغانستان با چین عمدتاً توسط عبدالغنی برادر که یکی از بنیانگذاران طالبان و مسئول امور سیاسی در این گروه است، اداره می‌شود. در جولای سال ۲۰۲۱ برادر از چین دیدن و با وانگ یی، مشاور دولتی و وزیر امور خارجه چین دیدار کرد. برادر در مناسبت‌های زیادی اطمینان خاطر داد که طالبان افغانستان «اقدامات خصمانه علیه چین را تحمل نخواهد کرد» و سرمایه‌گذاری چینی را تشویق می‌کند. بسیاری از چینی‌ها برادر را در میان طالبان افغانستان به عنوان یک «دوست» تلقی می‌کنند. پیش از تشکیل دولت موقت در سپتامبر سال ۲۰۲۱ با توجه به موقعیت ویژه برادر در طالبان افغانستان و خدمات طولانی مدت او در امور خارجی و ارتباط با قدرت‌های بزرگ در میان کارشناسان چینی گمانه‌زنی‌هایی وجود داشت مبنی بر اینکه برادر می‌تواند به عنوان نخست‌وزیر و یا شاید رئیس‌جمهور منصوب شود.

با این حال با انتصاب برادر به عنوان «معاون نخست‌وزیر»، تحلیلگران چینی نگرانی‌های خود را از به حاشیه رفتن «گروه میانه‌رو» درون طالبان افغانستان برجسته کردند. محرومیت زنان در دولت موقت، بسته شدن باشگاه‌ها و سینماها و ممنوعیت تحصیل دختران در افغانستان، بدگمانی‌های چینی‌ها را نسبت به بازگشت طالبان سنتی و افراطی افغانستان به شکلی که در دهه ۱۹۹۰ اتفاق افتاد، بیشتر کرد. چین که داخل این گروه شریک قابل اعتمادی ندارد مشکل انتقال نگرانی‌های خود را به طالبان افغانستان پیش بینی می‌کند.

سوم، چین باید دریافت خود از طالبان افغانستان را تغییر دهد. قبل از حمله ایالات متحده به افغانستان در سال ۲۰۰۱ چین با تهدید شدید تروریست‌ها و افراطی‌های آموزش دیده توسط القاعده و طالبان افغان در افغانستان روبه‌رو بود. با توجه به اینکه بودای بامیان در کتاب کلاسیک چینی گزارش تانگ کبیر از سفر به سرزمین‌های غربی (Da-Tangxiyuji) نوشته راهب معروف چینی اواسط قرن هفتم، سوان ژانگ آمده است، تخریب مجسمه‌های بودا در دوره بامیان در سال ۲۰۰۱ عمیقاً در حافظه مردم چین، بخصوص ۲۰۰ میلیون بودایی آن کشور حک شد. به علاوه روابط نزدیک طالبان افغانستان با القاعده به تقویت استنباط مردم چین از القاعده به عنوان «بربرها» و «افراطی‌ها» انجامیده است. به منظور توسعه روابط با طالبان افغانستان چین ناچار است درک عمومی مردم خود را از طالبان افغانستان از «همدل با تروریسم» به «شریک قابل اعتماد» بازتعریف یا مجدداً بازتولید کند. طالبان افغانستان در دهه گذشته تغییرات قابل توجهی را از جمله «نشان دادن گشودگی بیشتر برای ایجاد ارتباط با سایر کشورها»، «اطمینان دادن برای ریشه‌کن کردن تروریسم» و «تعهد به سازماندهی یک دولت فراگیر» انجام داده است. (۱۲)

هرچند اخبار خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان با استقبال رسانه‌های چینی مواجه شد، اما اکثر کارشناسان چینی به دلیل آگاهی از حاکمیت طالبان افغانستان در دهه ۱۹۹۰ به وعده طالبان مبنی بر قطع رابطه با القاعده و جنبش اسلامی ترکستان شرقی اعتماد ندارند. بنابراین چین باید توسعه روابط با طالبان افغانستان و مدیریت بی‌اعتمادی مردم چین نسبت به آنها را با دقت بسنجد.

چهارم، دانش محدود چین از افغانستان حاکی از دشواری‌هایی است که چین در برآوردن خواسته‌های راهبردی افغانستان با آنها مواجه خواهد شد. شایان ذکر است که تعداد مؤسسات

طالبان  
شبه‌نظامیان  
اویغور را از  
منطقه نزدیک  
مرز افغانستان  
با چین خارج  
کرده بود. این  
حرکت طالبان  
نشان‌دهنده  
گام جدیدی  
در روابط آنان  
با پکن است و  
نشان می‌دهد  
طالبان از  
زمان تصرف  
افغانستان در  
آگوست سال  
۲۰۲۱ اقدامات  
جدی و مهمی را  
در زمینه کاهش  
ترس‌های  
امنیتی چین  
انجام داده است